

حقوق زنان از منظر قرآن

(با تأکید بر حقوق اساسی)^۱

محمد هادی منصوری*

چکیده

یکی از مسائل مهم مطرح شده در قانون اساسی، مسائل مربوط به حقوق زنان است. از آنجایی که جایگاه و حقوق زنان در قانون از مباحث پرچالش بوده و دستخوش برداشت‌های گوناگون قرار گرفته است، ضرورت پژوهش در منابع قانون اساسی به منظور شناخت هندسه نظام‌مند آن بر پایه‌ی مبانی دینی و بررسی خاستگاه و حیاتی مسأله، امری انکارناشدنی است. در این مقاله حقوق زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از نظرگاه قرآن و اکاوی گردیده و مبانی و عمده‌ترین حقوق اساسی زنان اصطیاد و استخراج شده است تا از این رهگذر، ضمن تبیین چارچوب قوانین، ابتناء آن بر آخرین کتاب آسمانی تبیین شود و الگوی مناسبی در زمینه‌ی چگونگی تعامل دینی با مسأله مهم حقوق زنان ارائه گردد.

واژگان کلیدی: مبانی، حقوق اساسی، قانون اساسی، زنان، قرآن.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۲۰

* دانشجوی دکتری، مدرس معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی گرایش تفسیر و متون اسلامی (Mmh.f110@yahoo.com)

حق در لغت به معنای راست و درست، ضد باطل، ثابت و واجب، یقین، عدل، نصیب و بهره از چیزی، ملک و مال^۱ و در اصطلاح حقوق، توانایی و قدرتی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی به طور مستقیم استفاده کنند و یا انتقال مال و انجام دادن کاری را از دیگری بخواهند.^۲

حقوق اساسی، آن بخش از حقوق عمومی است که به بررسی حقوقی پدیده‌ها، نهادها و سازمان‌های سیاسی جامعه می‌پردازد و شامل قواعد و اصول حاکم بر روابط سیاسی متقابل میان دولت و مردم و نهادهای دولتی با یکدیگر است.^۳ حقوق اساسی به دنبال تحول جوامع انسانی و خروج آن‌ها از حالت ابتدایی و پیشرفت به سمت انسجام، سازمان‌یابی و پیدایش قدرت سیاسی پدید آمده است. حقوق اساسی زائیده جامعه سیاسی است و جامعه سیاسی، جامعه متکاملی است که در آن قدرت سیاسی به طور پیچیده‌ای سازمان و سامان یافته، حقوق اساسی مردم به کمال رسیده و در قالب قواعد حقوقی سازمان داده شده است.^۴

قبل از ورود به بحث، لازم است جایگاه قرآن و احکام اسلام را در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران بشناسیم. نام مقدس ((جمهوری اسلامی ایران)) که متشکل از جمهوریت و اسلامیت ایران است گویای ایدئولوژی، زیر-ساخت‌ها، چارچوب و هویت نظام حکومتی ایران می‌باشد. رکن ((جمهوری)) اتکا نظام به مردم و رکن ((اسلامی)) ابتناء قوانین و ماهیت جمهوری ایران بر مبنای اسلام را بیان می‌کند.

در فصل سوم کتاب حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران^۵ - که به بررسی منابع حقوق اساسی ایران پرداخته - آمده است:

((زیربنای فکری و عقیدتی نظام حقوقی ایران مبتنی بر ضوابط و مقررات حقوق اسلام است. در واقع منابع فقهی مبنای تدوین اکثر منابع حقوق اساسی ایران به‌شمار می‌آید و غالب منابع دیگر براساس این منبع تنظیم و یا تطبیق می‌گردد. و لذا در صورت تغایر و یا تعارض در حقیقت، ضوابط حقوق اسلام معیار برای سنجش می‌باشد. این مفهوم صراحتاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است. براساس اصل چهارم قانون اساسی:

((کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی شورای نگهبان است.))

و براساس اصل نود و ششم قانون اساسی: ((تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهاء شورای نگهبان و ... است.))

به‌طور کلی مصوبات مجلس هنگامی دارای اعتبار می‌گردد که مورد تطبیق با احکام اسلام باشد. اصول ۹۱، ۹۳ و ۹۴ نیز دلالت بر این معنی دارند. احکام اسلام که اصطلاحاً فقه نیز نامیده می‌شود، خود دارای منابع اختصاصی است که فقهاء احکام حقوقی اسلام را از آن منابع استخراج می‌نمایند. این منابع عبارتند از: کتاب، سنت، اجماع، عقل.^۶

منظور از کتاب، همانا قرآن معجزه‌ی پیامبر اسلام می‌باشد که به صورت وحی بر ایشان نازل گردیده است. قرآن^۷ منبعی برای استخراج احکام دینی و شرعی است و به لحاظ جامعیت آن، کلیه شئون زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. لذا منبع

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱

۲. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۲۷، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹

۳. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ ۱۸، ۱۳۸۴، ص ۱۳

۴. قنوتی، جلیل، نظام حقوقی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶

۵. نجفی اسفاد، مرتضی، محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۹

۶. نجفی اسفاد، مرتضی، محسنی، فرید، همان، ص ۱۶-۱۷ (ناگفته نماند اجماعی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد).

۷. قرآن در لغت اسم علم یا مصدر است از ریشه‌ی قرأ به معنای جمع کردن، کتاب خواندن یا خواندن. برخی همچون ابن کثیر و شافعی، کلمه‌ی قرآن را مشتق نمی‌دانند و آن را علم برای کلامی که بر پیامبر نازل شده دانسته‌اند. سیوطی این رأی را پسندیده است. عده‌ای از علما نظیر زجاج و لحنی کلمه‌ی قرآن را مشتق و مهموز می‌دانند. آلوسی دیدگاه زجاج را دقیق‌تر دانسته، می‌گوید: ((قرأ سبعة قرآن را مهموز قرائت کرده‌اند)). قرآن در اصطلاح نامی است که خداوند بر کتاب مقدس مسلمانان و معجزه‌ی جاوید پیامبر گذاشته است. این واژه ۶۹ بار در قرآن آمده است. محمدبن مکرم بن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ه. ق.، چاپ سوم، جلد ۱، ص ۱۲۸، محمدبن عبدالله زکشی، البرهان، (بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ه. ق) جلد ۱، ص ۲۷۷ - ۲۷۸، ر.ک. نصیری، علی، بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس، قسبات، بهار ۱۳۸۶، شماره ۴۳، ص ۶۲

مهمی برای قانون اساسی نیز می‌باشد. شاید به تعبیری بتوان گفت که قرآن، قانون اساسی مسلمین است. در قانون اساسی ایران بسیاری از آیات و یا مفاهیم آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.^۹

زن در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای نسبت به زنان و خانواده شده است و عموم قوانین از یک طرف و برخی قوانین به‌طور اختصاصی به این مهم پرداخته است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

((در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌ی جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی اصلی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت شیئی بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسوولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.))

مطابق با اصل بیستم قانون اساسی: ((همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.)) به این ترتیب اصول قانون اساسی، مردان و زنان را به‌طور مشترک و یکسان مدنظر قرار داده و اصل بیستم هم بر همین موضوع تاکید نموده است.

علاوه بر آن، اصل ۲۱ قانون اساسی، توجه ویژه‌ای را به مسایل زنان معطوف نموده است. براساس این اصل: ((دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
۵. اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی.))

این اصل، حاکی از نگاه جانبدارانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به زن و حساسیت خاص به حقوق زنان می‌باشد.

با نگاهی به اصل فوق مشاهده می‌گردد که سه بند این اصل (۲، ۳ و ۵)، با اشاره به نقش‌های مادری و همسری زن، سعی داشته است با حمایت ویژه از زنان در کانون خانواده، از امکان تضییع حق ایشان در خانواده جلوگیری به عمل آورد. اما در دو بند دیگر از اصل فوق (۱ و ۴)، اساساً زن را فارغ از جایگاه او در خانواده مدنظر قرار داده و دولت را موظف نموده تا به حمایت ویژه از زنان، فارغ از نقش همسری یا مادری، بپردازد.

دیدگاه‌ها درباره حقوق زنان

درباره حقوق زنان سه دیدگاه عمده وجود دارد:

دیدگاه افراطی: براساس این دیدگاه، حقوق زنان و مردان با یکدیگر تشابه دارد و زنان عیناً مانند مردان هستند و هیچ تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد. این بینش ریشه در غرب دارد و عمده‌ی جریان‌های دفاع از حقوق زنان، متأثر از چنین بینشی هستند. نتیجه‌ی چنین تفکری، ضایع شدن حقوق زنان، لگدمال شدن شخصیت آنان، سوء استفاده جنسی، تبلیغاتی

و ... از زنان بوده است.^۹

دیدگاه تفریطی: براساس این دیدگاه، زنان از حداقل حقوق انسانی بی بهره‌اند. قرآن مجید در این باره چنین می‌فرماید: ((وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ^{۱۱}: و چون به یکیشان مژده دختر دهند، سیه‌روی شود و خشمگین گردد)). در جای دیگر می‌فرماید: ((وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ^{۱۲}: و چون به یکی از آن‌ها مژده تولد همان چیزی را دهند که به خدای رحمان نسبت داده رویش سیاه گردد و آکنده از خشم شود)).

نگاه به زن در این بینش، نگاه غیرانسانی و با هدف بیگاری کشیدن و تنها تولید نسل است. این بینش در عرب جاهلی و امروزه در کشورهای مانند عربستان و ... و براساس عقاید وهابیت و طالبان وجود دارد. براساس این بینش است که زنان حق رانندگی، اشتغال و ... ندارند و کاملاً تحت سلطه‌ی مردان، از آزادی انسانی محرومند.

دیدگاه تعادلی: براساس این دیدگاه، زنان در حقیقت و ماهیت مانند مردان، انسانند و از همه حقوق انسانی برخوردار می‌باشند؛ اما با این توجه که آنان زن هستند نه مرد! و حقوقی متناسب با آفرینش خویش دارند. براساس این بینش، زن به عنوان یک انسان مفهوم پیدا کرده و جایگاه اصلی خویش را می‌یابد. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی چنین نگاهی تعادلی نسبت به حقوق زنان دارد و از آن دفاع می‌کند.^{۱۳}

پس از آن که دانسته شد دیدگاه اسلام به مسأله حقوق اساسی زنان، دیدگاهی معتدل و براساس شناخت جامع از ماهیت و نقش زن است، در این جا به مبانی قرآنی حقوق زنان می‌پردازیم.

مبانی قرآنی حقوق زنان

در ابتدا لازم است انواع حقوق و آزادی‌ها را از نگاه علم حقوق بشناسیم.

حقوق و آزادی‌ها به اقسام زیر تقسیم پذیر است:

الف. فردی

ب. مدنی

ج. مذهبی

د. سیاسی

ه. قضایی

توضیح

الف: حقوق و آزادی‌های فردی: هر یک از اشخاص انسانی به تنهایی دارای احترام است. قانونگذار حرمت

افراد را مورد شناسایی قرار داده و برای حفظ او از تعرضات گوناگون، تمهیداتی اندیشیده است. برخی از مصونیت‌ها و

^۹ برای مطالعه بیشتر ر.ک. دانش‌پژوه، مصطفی، خسروشاهی، قدرت‌الله، **فلسفه حقوق**، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷؛ شهید مطهری می‌نویسد: ویل دورانت در فصل نهم از کتاب لذات فلسفه پس از نقل برخی نظریات تحقیرآمیز نسبت به زن از ارسطو و نیچه و شوپنهاور و برخی کتب مقدس یهود و اشاره به این که در انقلاب فرانسه با آن که سخن از آزادی زن هم بود اما عملاً هیچ تغییری رخ نداد، می‌گوید: «تا حدود سال ۱۹۰۰ زن به سخنی دارای حقی بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون آن را محترم بدارد». آنگاه درباره علل تغییر وضع زن در قرن بیستم بحث می‌کند، می‌گوید: «آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است». سپس به سخن خود چنین ادامه می‌دهد:

«(زنان، کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین قیمت ترجیح می‌دادند. یک قرن پیش در انگلستان، کار پیدا کردن بر مردان دشوار گشت اما اعلان‌ها از آنان می‌خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه‌ها بفرستند. نخستین قدم برای آزادی مادران بزرگ ما قانون ۱۸۸۲ بود. به موجب این قانون، زنان بریتانیای کبیر از امتیاز بی‌سابقه‌ای برخوردار می‌شدند و آن این که پولی را که به دست می‌آوردند حق داشتند که برای خود نگه دارند. این قانون اخلاقی عالی مسیحی را کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند. از آن سال تا به امسال سودجویی مقاومت‌ناپذیری آنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رهانیده، گرفتار جان‌کندن در مغازه و کارخانه کرده است»؛ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، **نظام حقوق زن در اسلام**، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵، جلد ۱۹، ص ۱۸۴

^{۱۰} نحل/ ۵۸

^{۱۱} زخرف/ ۱۷

^{۱۲} آیات متعددی بر این مهم تأکید دارند: به عنوان مثال نساء/ ۱ و ۱۴، اعراف/ ۱۸۹، نحل/ ۹۷، احزاب/ ۳۵، توبه/ ۷۲، فتح/ ۵

اصول مربوط به حقوق اشخاص عبارتند از:

۱. حقوق و آزادی تن ۲. مصونیت از تعرضات جانی (برابر اصل بیست و دوم قانون اساسی) ۳. مصونیت از تبعید (براساس اصل سی و سوم قانون اساسی) ۴. مصونیت از شکنجه (براساس اصل سی و هشتم قانون اساسی) ۵. مصونیت از هتک حرمت (براساس اصل سی و نهم قانون اساسی) ۶. مصونیت از توقیف غیرقانونی (اصل سی و دوم) ۷. مصونیت از افشای امور خصوصی (اصل بیست و پنجم) ۸. مصونیت از اضرار غیر (براساس اصل چهلم)

ب: حقوق و آزادی‌های مدنی (اجتماعی)

۱. آزادی و حق انتخاب شغل (براساس اصل بیست و هشتم قانون اساسی) ۲. آزادی و حق مسکن (براساس اصل سی و یکم قانون اساسی) ۳. آزادی و حق مالکیت (براساس اصل چهل و ششم و چهل و هفتم قانون اساسی) ۴. آزادی و حق تابعیت (براساس اصل چهل و یکم قانون اساسی) ۵. حق آموزش و پرورش و آزادی تحصیل (براساس اصل سی‌ام قانون اساسی) ۶. حق برخورداری از تأمین اجتماعی (براساس اصل بیست و نهم و چهل و سوم قانون اساسی)

ج: حقوق و آزادی‌های مذهبی

۱. حق تفکر و آزادی اندیشه (براساس اصل بیست و سوم قانون اساسی) ۲. حقوق و آزادی‌های دینی و مذهبی (براساس اصل دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی)

د: حقوق و آزادی‌های سیاسی

۱. آزادی بیان و مطبوعات (براساس اصل بیست و چهارم و اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی) ۲. آزادی احزاب (براساس اصل بیست و ششم قانون اساسی) ۳. آزادی اجتماعات (براساس اصل بیست و هفتم قانون اساسی) ۴. حق مشارکت سیاسی (براساس اصل ششم قانون اساسی)

ه: حقوق قضایی

۱. استقلال قضایی و قوه قضاییه ۲. حق دادخواهی (براساس اصل سی و چهارم) ۳. اصل برائت (براساس اصل سی و هفتم قانون اساسی) ۴. اصل قانونی بودن جرائم (براساس اصل سی و ششم قانون اساسی) ۵. اصل قانونی بودن مجازات‌ها (براساس اصل سی و ششم قانون اساسی) ۶. عطف به ماسبق نشدن قوانین (براساس اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی) ۷. عدم اعتبار اقرار و شهادت و سوگند تحت اجبار (براساس اصل سی و هشتم قانون اساسی) ۸. حق داشتن وکیل در محاکم (براساس اصل سی و پنجم قانون اساسی)^(۱۴)
پس از آشنایی با حقوق انسان‌ها، به بررسی حقوق زنان از منظر قرآن می‌پردازیم. قرآن مجید از یک سو تبیین‌گر مبانی حقوق زنان است و از سوی دیگر عمده‌ترین و اساسی‌ترین حقوق زنان را بیان می‌نماید.
در یک نگاه عام، مبانی قرآنی نسبت به حقوق اساسی زنان به شرح ذیل است:

اول: مهندسی نظام آفرینش مبتنی بر خلقت اشیاء به صورت زوج

اولین مبنا درباره حقوق زنان این است که بدانیم آفرینش زن، حکیمانه و براساس نظم طبیعت می‌باشد. قرآن مجید به‌طور کلی خلقت اشیاء را به صورت زوج معرفی نموده و آن را بخشی از نظم و ترتیب عالم دانسته است.
آیات متعددی بر این حقیقت تأکید دارد که همه اشیاء به صورت زوج آفریده شده‌اند. گستره‌ی این بحث، حوزه‌های انسانی، حیوانی، نباتی و جمادات را دربردارد و گل سرسبد آن، زوجیت انسان است.
(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهُ^{۱۵}: ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، آن که شما را از یک تن آدم آفرید و جفت او را از [جنس] او آفرید)).

۱۳. بنگرید: نجفی اسفاد، همان، ص ۴۴۹ - ۴۶۲

۱۴. نساء/ ۱

((هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا^{۱۶}: اوست که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از [نوع] او پدید کرد تا بدو آرام گیرد)).

در سوره‌ی ذاریات آیه ۴۹ می‌فرماید: ((وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: و از هر چیزی دو گونه - که یکی جفت دیگری است - آفریدیم، باشد که یاد کنید و پند گیرید))، و این اصلی است که شامل انسان نیز می‌شود. بنابراین آفرینش انسان به صورت نر و ماده، همه و همه گواه وجود نظم دهنده‌ای است آگاه و توانا. سؤال مهم این است که تفاوت جنسیتی زن و مرد با فرض این که تفاوتی در انسانیت آن دو ایجاد نمی‌کند آیا در حقوق آن‌ها تأثیرگذار است یا خیر؟

در پاسخ می‌گوییم: درباره‌ی جنسیت، دو رویکرد مهم وجود دارد:

الف: جنسیت هیچ نقشی در اصل انسانیت ندارد؛ یعنی موجب نقص و کمال یا شدت و ضعف در انسان بودن نمی‌شود، با وجود این، جنسیت در حقوق و وضع قوانین تأثیرگذار است و موجب تفاوت حقوقی می‌گردد.

ب: جنسیت نه تنها در اصل انسانیت، بلکه در مسائل حقوقی نیز تأثیرگذار نیست.

رویکرد اول در جهان‌بینی الهی و رویکرد دوم در جهان‌بینی غیرالهی دنبال می‌شود.^{۱۷}

درباره‌ی تفاوت‌های جنسی، دو دیدگاه کاملاً متعارض موجود است. برحسب یک نظرگاه تفاوت حقوقی بیانگر ستم و تبعیض جنسی بر زنان می‌باشد؛ زیرا عدالت به معنای رعایت کامل تساوی میان زن و مرد می‌باشد و هر نوع تفاوت - نگرانی به مثابه زیر پا گذاشتن عدالت محسوب می‌گردد. اما برحسب رویکرد دیگر، یکسان‌نگری مطلق راه را برای بی‌عدالتی بر زنان می‌گشاید، زیرا نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی جنس زن و همانند ساختن آن با جنس مخالف، یک نوع ستم جنسی شمرده می‌شود.^{۱۸}

دوم: کرامت انسان

دومین مبنای عام قرآنی درباره حقوق زنان، توجه دادن به کرامت انسان است. قرآن انسان را موجودی دو بعدی معرفی نموده و قابلیت برتری بر ملائک و دنائت از چارپایان را برای او متصور شده است. بشر از جنبه‌ی انسانیش خلیفه‌الله است و قرآن او را صاحب فضیلت و کرامت می‌داند. در آیات متعددی بر این اصل تأکید گردیده است.

((إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^{۱۹}: من در زمین جانشینی - برای مخلوق پیشین یا نماینده‌ای از خود - خواهم آفرید)).

((وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ^{۲۰}: و هر آینه فرزندان آدم را گرامی داشتیم)).

در این جا به بیان شخصیت والای نوع بشر و مواهب الهی نسبت به او می‌پردازد، تا با توجه به این ارزش فوق‌العاده به آسانی گوهر خود را نیالاید و خویش را به بهای ناچیزی نفروشد.

زنان به عنوان نیمی از خلقت عظیم انسانی، کرامتی بس بزرگ دارند و باید قدر خویش بدانند؛ زیرا به فرموده علامه طباطبایی ((انسان در میان سایر موجودات عالم خصوصیتی دارد که در دیگران نیست و آن داشتن نعمت عقل است، و معنای تفضیل انسان بر سایر موجودات این است که در غیر عقل از سایر خصوصیات و صفات هم انسان بر دیگران برتری داشته و هر کمالی که در سایر موجودات هست حد اعلای آن در انسان وجود دارد.^{۲۱})).

در تفسیر اثنی‌عشری می‌خوانیم:

((کرامت انسان دو قسم است: جسدی و روحی. اما تکریم جسدی: تصویر در رحم، حسن صورت، مزاج اعتدال، راستی قامت، گرفتن به دست، خوردن با انگشتان، تمیز به عقل، افهام به نطق، اشاره، خط، تمکن به صناعات و غیره. و اما

۱۵. اعراف / ۱۸۹

۱۶. حسنی، سیدمعصومه، **پیکره فمینیسم ایرانی**، تهران، مدیریت مطالعات سیاسی معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، بی‌تا،

ص ۲

۱۷. حسنی، همان

۱۸. بقره / ۳۰

۱۹. اسراء / ۷۰

۲۰. طباطبائی، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، جلد ۱۳، ص ۲۱۵

تکریم روحی: تولد بر فطرت، اعطای عقل، فهم، ادراک، علم، ارسال رسل، انزال کتب، وعده، وعید. لکن منافات ندارد تکریم عموم بنی آدم را به تکریمات مشترکه مذکوره و تکریم مؤمنان به جهات خاصه به سبب شرافت قبول ایمان^(۲۲). این مهم به عنوان یکی از پایه‌های نظام در قانون اساسی جمهوری اسلامی معرفی شده است. اصل دوم قانون اساسی می‌گوید:

((جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او

۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین

۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴. عدل خدا در خلقت و تشریع

۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا که از راه:

الف: اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین.

ب: استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها

ج: نفی هر گونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند)).

بند ششم این اصل ابتناء قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر کرامت انسان را تبیین می‌کند که (همان گونه که بیان شد) برگرفته از قرآن مجید است.

سوم: مساوات براساس اصل عدالت

نظام اجتماعی اسلام بر پایه مساوات و برابری استوار است. در دیدگاه اسلام، برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر براساس تقوی و پرهیزکاری است. قرآن می‌فرماید: ان اکرمکم عندالله اتقاکم (حجرات/۱۳)

لذا صرف برابری که در مفاهیم دموکراسی به عنوان اصل ضروری می‌باشد، از منظری فراتر در مکتب اسلام وجود دارد. زیرا تقوی موجب رعایت عدالت، نوع دوستی، همیاری، فداکاری و ... توسط انسان و ظهور کمالات در جامعه می‌گردد. اختلاف طبقاتی، تبعیض‌نژادی و نظایر آن می‌تواند با رعایت مساوات منتفی گردد. دین مرفعی اسلام چهارده قرن پیش شعار آزادی، برادری و برابری را سر داده است و وجوه غیر کامل آن رفته رفته در قوانین کشورها و اعلامیه‌های بین‌المللی ظاهر گردیده است. براساس اصل نوزدهم قانون اساسی: ((مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود^(۲۳))).

این مطلب گویای ابتناء حقوق اسلام بر پایه عدالت است. به فرموده شهید مطهری علمای اسلام با تبیین اصل ((عدل)) پایه فلسفه حقوق را بنا نهادند^(۲۴).

انواع تساوی‌ها: براساس اصل بیستم قانون اساسی ((همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند)).

بنابراین تساوی در همه شقوق قانونی قابل تصور است که به اجمال عبارتند از:

۱. تساوی در حقوق انسانی

۲. تساوی سیاسی

۳. تساوی اقتصادی

۴. تساوی اجتماعی

^{۲۱} حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳، جلد ۷، ص ۴۱۷

^{۲۲} نجفی اسفاد، همان، ص ۴۶۳

^{۲۳} مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۱۹، ص ۱۲۵

۵. تساوی در برابر محاکم و قوانین

۶. تساوی حقوق زن و مرد

در تساوی حقوق زن و مرد لازم است به این نکات توجه گردد:

۱. زن و مرد هر دو به عنوان اشخاص انسانی و مخلوق خداوند حکیم در اجتماع مکمل یکدیگرند.

۲. هر دو باید از حمایت و حقوق یکسان قانونی بهره‌مند شوند.

۳. تساوی در حقوق به معنای یکسان بودن حقوق نیست؛ بلکه هر یک متناسب با خلقت و شاکله خود باید حقوق متناسب با طبیعت خود را به دست آورد. همان‌گونه که فقط زنان به دلیل استعداد مادر شدن از حقوق مادران باردار بهره‌مند می‌گردند.

۴. جنسیت معیار برتری نیست؛ بلکه تقوی و پرهیزکاری معیار سنجش است.

۵. وظایف، مسوولیت‌ها و حقوق متناسب با توانایی‌هاست و اساساً عدالت آن است که متناسب با ظرفیت و توانایی‌ها حقوق هر یک از آنان را بشناسیم.^{۲۵}

شهید مطهری درباره تساوی حقوق زن و مرد می‌گوید: «تساوی حقوق یک مطلب است و تشابه حقوق، مطلب دیگر، برابری حقوق زن و مرد از نظر ارزش‌های مادی و معنوی یک چیز است و همانندی و همشکلی و همسانی چیز دیگر. در این نهضت عمداً یا سهواً (تساوی) به جای (تشابه) به کار رفت و (برابری) با (همانندی) یکی شمرده شد. (کیفیت) تحت الشعاع (کمیت) قرار گرفت و (انسان) بودن زن موجب فراموشی (زن) بودن وی گردید (۲۶). ایشان در یک نگاه جامع، مهندسی نظام حقوقی اسلام نسبت به مسأله تساوی حقوق زنان و مردان را این‌گونه تبیین می‌کند:

اسلام اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است.

اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است.

اسلام نظریات تحقیرآمیزی که نسبت به زن وجود داشته، منسوخ کرده است.

قرآن در داستان‌های خود توازن را حفظ کرده، قهرمانان داستان‌ها را منحصر به مردان نکرده است.

زن اگر بخواهد از حقوقی مساوی با مرد بهره‌مند شود باید مشابَهت حقوقی با مرد را از میان بردارد.^{۲۷}

آن‌چه مسلم است این است که از نظر اسلام زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق انسانی متساوی برخوردارند. اما آن‌چه در برخی قوانین و مقررات نظام حقوقی اسلام وجود دارد دال بر این است که تساوی حقوق در نظام حقوقی اسلام به معنای تشابه حقوق و وظایف آنان نیست؛ بلکه زن به جهت بدن و ساختمان وجودی مخصوص به خودش، حقوق و وظایفی دارد و مرد هم به دلیل این که مرد است حقوق و وظایف ویژه‌ای دارد؛ چرا که طبیعت و خلقت، آن‌ها را یکنواخت و مشابه نخواست است. نظام حقوقی زن در اسلام، پاسخی کامل برای نیازهای حقوقی زن امروز است و تقلید کورکورانه از غرب و تشابه حقوقی زن و مرد نه تنها مشکلات زنان جوامع مسلمان را حل نمی‌کند بلکه بدبختی‌های نوع غربی را نیز به این مشکلات ما اضافه می‌کند.

با این همه تفاوتی که علم در سرشت زن و مرد به اثبات رسانده است، ادعای حامیان تشابه حقوق زن و مرد، بسیار تعجب‌برانگیز است. طراحی اختلاف زن و مرد با هدف تکامل و سعادت بشر، نشانه‌ای از نشانه‌های قدرت و حکمت پروردگار است و تغییر در این روند طبیعی، با شعار عوام‌فربانه‌ی «تساوی»، ظلمی است که روشنفکران غربی در حق زنان مرتکب شده‌اند و متأسفانه بعضی هم در کشورمان بدان دامن می‌زنند.

دکتر کارل در تبیین حقیقت اختلاف زن و مرد می‌گوید: «اختلافی که بین زن و مرد موجود است تنها مربوط به شکل اندام‌های جنسی آن‌ها و وجود زهدان و انجام زایمان نزد زن و طرز تعلیم خاص آن‌ها نیست؛ بلکه نتیجه‌ی علتی عمیق‌تر است که از تأثیر مواد شیمیایی مترشح غدد تناسلی در خون ناشی می‌شود. به علت عدم توجه به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران نهضت زن فکر می‌کنند که هر دو جنس می‌توانند یک قسم تعلیم و تربیت یابند و مشاغل و

۲۴. نجفی اسفاد، همان، ص ۴۶۷-۴۶۸

۲۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۱۹، ص ۳۰

۲۶. مطهری، همان، جلد ۱۹، ص ۱۲۵

اختیارات و مسوولیت‌های یکسانی به عهده بگیرند. زن در حقیقت از جهات زیادی با مرد متفاوت است. یکایک سلول‌های بدنش، هم چنین دستگاه‌های عضوی و مخصوصاً سلسله عصبی، نشانه جنس او را به روی خود دارد. قوانین فیزیولوژی نیز همانند قوانین جهان ستارگان، سخت و غیرقابل تغییر است و ممکن نیست تمایلات انسانی در آن‌ها راهی یابد. ما مجبوریم آن‌ها را آن‌طوری که هستند بپذیریم. زنان باید به بسط مواهب طبیعی خود در جهت و مسیر سرشت خاص خویش بدون تقلید کورکورانه از مردان بکوشند. وظیفه‌ی ایشان در راه تکامل بشریت خیلی بزرگ‌تر از مردهاست و نایستی آن را سرسری گیرند و رها کنند^{۲۸})).

چهارم: عدم دخالت زن یا مرد بودن در سعادت و نجات انسان

قرآن مجید با نگاهی دوراندیش و عاقبت‌گرا، امکان سعادت و نجات را برای زن و مرد به طور مساوی قائل است و آن را مشروط به کردار نیک دانسته است. ((وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا^{۲۹})). و هر کس که کاری شایسته کند چه زن و چه مرد اگر مؤمن باشد به بهشت می‌رود و به قدر آن گودی که بر پشت هسته خرماست به کس ستم نمی‌شود)).

در تفسیرالمیزان آمده است:

با آوردن جمله ((مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ)) حکم را عمومیت داده تا شامل مردان و زنان هر دو بشود و اختصاص به مردان نداشته باشد. آری از نظر اسلام هیچ فرقی بین مرد و زن نیست، برخلاف پندار قدماى اهل ملل و نحل از قبیل هند و مصر و سایر بت پرستان که می‌پنداشتند زنان اصلاً عملی ندارند و اعمال صالحه آنان پاداش ندارد و نیز برخلاف آن‌چه از یهودیان و مسیحیان به ظهور رسیده که گفته‌اند: زنان نزد خدا خوار و بی‌مقدارند؛ چون خلقتشان ناقص و اجرشان خاسر است، هر چه حرمت و کرامت هست از آن مردان است و نیز برخلاف آن‌چه عرب جاهلیت می‌پنداشت که آنان نیز گرفتار این عقاید خرافی بودند ولی اسلام دو طائفه زن و مرد را یکسان معرفی نموده، فرمود: ((مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ)). و چه بسا همین سر در کار بوده که دنبال جمله: ((فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ)) اضافه کرد که ((وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا)) تا جمله اول دلالت کند براین که زنان نیز مانند مردان دارای ثبوت و اجرند و جمله دوم بفهماند که هیچ فرقی بین آن دو از جهت زیادت پاداش و نقصان آن نیست. هم‌چنان که در جای دیگر به این حقایق تصریح نموده و فرموده: ((فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ^{۳۰})).

همین مطلب در جای دیگری از قرآن این‌گونه بیان شده است:

((مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{۳۱})). هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه‌ای بدو خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان عطا خواهیم کرد)).

علامه طباطبایی می‌نویسد: ((در این وعده جمیل فرقی میان زنان و مردان در قبول ایمان‌شان و در اثر اعمال صالح‌شان که همان احیاء به حیات طیبه، و اجر به احسن عمل است نگذاشته و این تسویه میان مرد و زن علی‌رغم بنائی است که بیشتر غیر موحدین و اهل کتاب از یهود و نصاری داشتند و زنان را از تمامی مزایای دینی و یا بیشتر آن محروم می‌دانستند و مرتبه زنان را از مرتبه مردان پایین‌تر می‌پنداشتند، و آنان را در وضعی قرار داده بودند که به هیچ وجه قابل ارتقاء نبود^{۳۲})).

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: ((اگر حقیقت انسان مؤمن باشد و عمل صالح انجام دهد، اهل بهشت است و در حقیقت انسان، ذکورت یا انوثة دخیل نیست. ذکورت و انوثة دو وصف بدن و مربوط به جنس انسان است، نه فصل او، و انسان از جهت انسان بودن، یعنی به لحاظ صورت نوعی و فصل اخیر نه مذکر است و نه مؤنث. لازمه این بیان تساوی زن و مرد آن‌گونه که متفکران مادی می‌پندارند نیست؛ زیرا آنان حقیقت انسان را همان پیکر مادی وی دانسته، وی را به مذکر و مؤنث منقسم و آن دو را یکسان می‌دانند، در حالی که قرآن حقیقت انسانی را به جان او می‌داند و جان آدمی

^{۲۷} فلسفی، محمدتقی، بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۲

^{۲۸} نساء / ۱۲۴

^{۲۹} طباطبائی، همان، جلد ۵، ص ۱۴۲-۱۴۳

^{۳۰} نحل / ۹۷

^{۳۱} طباطبائی، همان، جلد ۱۲، ص ۴۹۱

نه مذکر است و نه مؤنث؛ چنانکه نه سیاه است و نه سفید و... براین اساس، امام سجّاد می‌فرماید: ((خلق الله الجنّة لمن أطاعه وأحسن ولو كان عبداً حبشياً^{۳۳})). نتیجه این می‌شود که در کمال‌های انسانی نظیر ولایت تکوینی، عصمت، عدالت و فقاقت نه مذکر بودن شرط است و نه مؤنث بودن مانع؛ اما در مسائل اجرایی، طبق آنچه مشهور بین فقهاست، بعضی از منصب‌ها نظیر حکومت، قضا و غزا، مرجعیّت و... تنها برعهده مرد گذاشته شده؛ گرچه درباره اختصاص بعضی از این‌ها به صنف مرد تأمل است؛ چنانکه مرجعیّت زن برای زنان می‌تواند بدون محذور باشد^{۳۴})).

حقوق زنان

قرآن مجید علاوه بر تبیین مبانی حقوق اساسی زنان، عمده‌ترین حقوق اساسی ایشان را بیان نموده است. برخی از این حقوق، عام و برخی مختص زنان است. مراد از عام، شمول‌پذیری آن نسبت به مردان است؛ مانند حق آموزش، حق ارث، حق تملک، حق ازدواج، حق اشتغال و... منظور از حقوق اساسی خاص، حقوقی است که مختص زنان است. به این بیان که به دلیل تفاوت جسمانی که در آفرینش زنان وجود دارد و با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی آن‌ها، قانون‌گذار حقوق ویژه‌ای را برای زنان معین نموده است؛ مانند حق نفقه، حق مهریه، حق دریافت اجر جهت رضاع و... در این مقاله به حقوق خاص و برخی از مهم‌ترین حقوق عام زنان می‌پردازیم.

حق آموزش

یاد دادن، یاد گرفتن و آموزش از حقوق مورد توافق انسان‌هاست. دین اسلام بر این مهم تأکید ویژه‌ای دارد. پیامبر اسلام به اولین چیزی که توصیه می‌شود خواندن است ((أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ^{۳۵}: بخوان به نام پروردگارت که بیافرید)). خداوند در قرآنش به قلم قسم یاد کرده، می‌فرماید: ((ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ^{۳۶}: نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند)). از این رو پیامبر نیز اصرار بسیاری بر علم آموزی و یادگیری می‌فرماید. آن‌قدر براین مطلب تأکید می‌فرماید که به نظر می‌رسد اصلاً آموزش امر واجبی است و جنسیت را نیز در یادگیری منتفی می‌داند و می‌فرماید: ((طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة)). برای رفع محرومیت زنان در این امر زنان و مردان را توصیه می‌نماید که سوادآموزی را به عنوان مهر زنان قرار دهند تا بیسوادی زنان مرتفع گردد. در این حق، زن و مرد را هیچ یک بر دیگری امتیاز نیست و به اعتقاد علمای دینی این مورد از مواردی است که هیچ‌کس دیگری را از آن نمی‌تواند منع نماید و حتی شوهر یا پدر نمی‌توانند همسر و یا دختر خود را از دسترسی به این امتیاز بشری محروم نمایند^{۳۷}.

اصل سیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این مهم تأکید داشته، می‌گوید: ((دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد)).

شمول فاعل ((یسطرون)) در آیه مذکور، نسبت به همه ملت در اصل سیم به خوبی منعکس شده است؛ یعنی هم آیه و هم اصل سیم، آموزش را برای زن و مرد یکسان می‌داند.

حق ارث

یکی دیگر از حقوقی که قرآن مجید برای زنان ثابت دانسته است، حق ارث است. در آیات متعددی براین مهم تأکید شده و احکام تبیین‌کننده‌ی کیفیت ارث زنان به عنوان چارچوبی عملی ارائه گردیده است.

به عنوان نمونه به آیات زیر توجه فرمایید:

((لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرُ نَصِيبًا

^{۳۲} مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، لبنان، مؤسسه‌ی الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ قمری، جلد ۶۴، ص ۲۸

^{۳۳} جواد آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۷۵، جلد ۵، ص ۶۶

^{۳۴} علق / ۱

^{۳۵} قلم / ۱

^{۳۶} ماشینی، فریده، حقوق انسانی و جنسیت در قرآن، بینات، بهار ۱۳۸۶، شماره ۵۳، ص ۱۶۲ - ۱۸۱

((يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثُ مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ءَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^{۳۹}

((وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍ وَصِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ^{۴۰})).

با توجه به این آیات:

اولاً: خداوند حکم ارث زنان را مستقل از مردان بیان نموده که گویای استقلال زن و مرد در ارث است.

ثانیاً: تعیین میزان سهم الارث از طرف خداوند حاکی از دقت نظام حقوقی اسلام و اهتمام خاص دین مبین اسلام به حقوق زنان است. زیرا در فضایی که زن از بسیاری از حقوق مالی و اجتماعی خود محروم بود، اسلام علاوه بر اعطای حقوق انسانی و اجتماعی و مدنی به زن و بالا بردن شأن و حیثیت انسانی او در مورد میراث زن (اعم از زوجه، مادر، دختر و خواهر) قوانین و مقرراتی وضع کرد و برای او نصیب مفروض قرار داد^{۴۱}.

ثالثاً: تساوی زن و مرد در ارث نیز رعایت شده و این به معنای تشابه سهم الارث آنان نیست. درباره علت تفاوت میزان سهم الارث زن و مرد دلایل متعددی ذکر شده که بیان آن خروج از بحث است. بنابراین خواننده محترم را به کتب مربوطه ارجاع می‌دهم.

از جمله‌ی حقوق زنان که در اثر ازدواج پدید می‌آید حقوق مالی است؛ نظیر حق مهریه، حق نفقه، و

حقوق مالی

حقوق مالی زنان از مهم‌ترین مسائلی است که امروزه جوامع بشری را به چالش کشانده است. این مسأله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه‌های وحیانی به خوبی تبیین گردیده است. در این جا به بررسی این حقوق می‌پردازیم.

حق مالکیت و استقلال مالی

((لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ^{۴۲}: مردان را از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای است و زنان

۳۷. نساء/ ۷: ((مردان را از آنچه پدر و مادر و خویشان بازگذارند بهره‌ای است و زنان را نیز از آنچه پدر و مادر و خویشان بازگذارند بهره‌ای است، اندک باشد یا بسیار، بهره‌ای مقرر شده)).

۳۸. خدا شما را درباره فرزندان سفارش می‌کند: بهره پسر (در میراث) بهره دو دختر باشد. پس اگر (وارثان) دختر و بیش از دو باشند، دو سوم میراث از آن‌هاست، و اگر یک دختر باشد نیمی از میراث از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر وی - آن مرده - شش یک میراث است اگر فرزندی نداشته باشد، و اگر فرزندی ندارد و پدر و مادرش وارث اویند برای مادرش سه یک است، و اگر برادرانی دارد مادرش شش یک می‌برد. (این تقسیم میراث) پس از (گزاردن) وصیتی است که کرده یا پرداخت بدهی و وامی است که داشته. شما نمی‌دانید که پدران و فرزندان و کداهشان برای شما سودمندترند. این حکمی است مقرر شده از جانب خدا، همانا خدا دانا و باحکمت است

۳۹. نساء/ ۱۲: ((و اگر زنانان فرزندی نداشته باشند نیمی از آنچه به جا گذاشته‌اند از آن شماست، و اگر فرزندی دارند پس چهار یک از آنچه بر جای نهاده‌اند برای شماست، پس از (گزاردن) وصیتی که کرده‌اند یا پرداخت وامی که داشته‌اند. و اگر شما را فرزندی نباشد آنان را چهار یک میراث شماست و اگر فرزندی داشته باشید پس آنان را هشت یک میراث شماست، پس از (گزاردن) وصیتی که کرده‌اید یا پرداخت وامی که داشته‌اید. و اگر مردی یا زنی بمیرد و پدر و مادر و فرزندی نداشته باشد و او را برادر یا خواهری (مادری) باشد برای هر یک از آن دو شش یک میراث باشد، و اگر (برادران و خواهران) بیش از این بودند در سه یک (به تساوی) شریکند، پس از (گزاردن) وصیتی که به آن شده یا پرداخت دینی که داشته است، بی آنکه (این وصیت و بدهی) زیان‌آور باشد - یعنی به قصد زیان رساندن به ورثه و بیش از ثلث باشد - سفارش و دستوری است از خدای، و خدا دانا و بردبار است)).

۴۰. فہمی، همان، ص ۹۵

۴۱. نساء/ ۳۲

را نیز از آن چه به دست آورده اند بهره ای است)).

این مهم در اصل چهل و شش و چهل و هفتم قانون اساسی تبیین گردیده است:
اصل چهل و ششم: ((هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند)).

اصل چهل و هفتم: ((مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند)).
در قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۱۸ آمده است: ((زن مستقلاً می تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می خواهد بکند)).
خداوند در سوره نساء می فرماید: ((وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَهُۥ ^(۴۳))) این آیه و آیات نظیر آن در موقعی نازل شده که جوامع برای زنان حق مالکیت و آزادی قائل نبودند. مردان خود را مالک منافع و جودی زنان می دانستند بدین معنا که همسر خود را در معرض انتفاع دیگران قرار داده و یا وادار به کار و خدمت به دیگران می نمودند. در این زمان اولین منشور آزادی زنان و حق مالکیت آن ها به وسیله همین آیات اعلام شد و بدین گونه اسلام با رعایت حقوق انسانی و به رسمیت شناختن حق مالکیت زن ها و استوار نمودن پیوند زناشویی بر مهر و مودت، اوضاع زنان جاهلیت را که بلافاصله پس از تولد به آغوش مرگ می رفتند متحول نموده و ایشان را از بالاترین حقوق انسانی بهره مند گردانید.

حق اشتغال زنان

قرآن مجید از جهت دسترسی به شغل و موقعیت های مختلف اقتصادی، جنسیت تعیین نفرموده است. اگرچه به حکم ((الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ^(۴۴))) وظیفه خطیر نان آوری بر عهده مردان است و زنان در این باره مسؤلیتی ندارند، اما قرآن مجید امکان اشتغال زنان را با ارائه الگویی زیبا تبیین فرموده است. در داستان موسی و دختران شعیب، چوپانی دختران به عنوان الگویی برای اشتغال زنان بیان شده است. آن جا که می فرماید: ((وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْكُنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ^(۴۵))) چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که چارپایان خود را آب می دهند و پشت سرشان دو زن را دید که گوسفندان خود را بازمی رانند)). بر ساس این آیه شریفه اشتغال زنان در محیط بیرون از خانه با رعایت اصول اخلاقی و دینی بلامانع است.

ناگفته نماند قرآن برای اشتغال زنان در جامعه، چارچوب ارائه کرده و آن را مشروط به رعایت اصول اخلاقی و دینی دانسته است. لذا برای آن اصولی را بیان می دارد. این اصول از داستان موسی و دختران شعیب قابل استفاده است:

الف: اصل عدم اختلاط زنان با مردان نامحرم

قرآن مجید این مهم را در قالب داستان این گونه بیان می فرماید: ((وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْكُنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِّرَ الرَّعَاءُ وَابُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ^(۴۶))) گروهی از مردم را دید که چارپایان خود را آب می دهند و پشت سرشان دو زن را دید که گوسفندان خود را باز می رانند. گفت: شما چه می کنید؟ گفتند: ما آب نمی دهیم تا آن گاه که چوپانان باز گردند، که پدر ما پیری بزرگوار است)).

قرآن با این بیان، الگویی جهت اشتغال زنان ارائه کرده می فرماید: اگر زنان مجبور باشند در محیطی مردانه کار کنند، باید رعایت حریم نموده از اختلاط با مردان پرهیزند؛ همان گونه که دختران شعیب به گوسفندان آب نمی دادند تا آن گاه که چوپانان باز گردند تا مبادا آن دو دختر عقیف در جمع نامحرم قرار گیرند.

ب: اشتغال زنان در محیط های مردانه در حد ضرورت و نیاز

از داستان مذکور استفاده می شود که حضور زن در محیط مردانه و در نتیجه ارتباط نامحرم با هم باید به حد ضرورت محدود شود؛ زیرا دلیل حضور دختران شعیب این بود که مرد توانمندی برای انجام کارهای بیرون از منزل در

۴۲. نساء/ ۴

۴۳. نساء/ ۳۴

۴۴. قصص/ ۲۳

۴۵. همان

خانواده نداشتند و گفتند: ((أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ: پدر ما پیری است کهنسال))؛ یعنی خروجهشان از منزل به دلیل ناتوانی سرپرست خانواده و اضطراب بوده است.

ج: اکتفا به حداقل ارتباط کلامی با نامحرم در محیط اشتغال و ...

آن گاه که موسای غیور با دیدن دختران در آن محیط مردانه، ناچار به گفتگو می شود به حداقل کلام بسنده نموده می فرماید: ((مَا خَطْبُكُمْ؟: کار شما چیست؟)) دختران که از نحوه ی پرسش موسی دلیل سؤال کردنش را فهمیدند در پاسخی کوتاه گفتند: ((لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ: ما (گوسفندان را) آب ندهیم تا این شبانان (گوسفندان خود را) بازبرند، و پدر ما پیری است کهنسال)). این آیات به ما می فهماند در ارتباط کلامی با نامحرم باید به ضرورت و حداقل اکتفا کرد و از هر گونه گفتار تحریک آمیز دوری نمود.

اما حق اشتغال زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر پایه احکام اسلام چنین تبیین شده است:

براساس اصل بیست و هشتم قانون اساسی:

((هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید)).

براساس بند نهم اصل سوم دولت موظف است به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی. یکی از این زمینه ها، زمینه اشتغال است.

قوانین جمهوری اسلامی حمایت ویژه ای از زنان در زمینه اشتغال داشته و ویژگی های اختصاصی زنان نظیر دوران بارداری، زایمان، شیردهی و ... را مدنظر دارد.

براساس ماده ۷۶ قانون کار: ((مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعاً نود روز است که حتی الامکان باید ۴۵ روز از این مرخصی پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مرخصی اضافه می شود.)) در ماده ۷۷ آمده: ((در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی بدون کسر حق السعی، کار مناسب تر و وسبک تر به او ارجاع می نماید.))

براساس ماده ۷۸: ((در کارگاه هایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیردهی بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنها محسوب می شود.

حق نفقه

قرآن کریم می فرماید: ((عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ^{۴۸}: و خوراک و پوشاک آنان به وجه شایسته و پسندیده بر آن کس است که فرزند از اوست.))

در جای دیگر، نان آوری را وظیفه مردان دانسته می فرماید: ((الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ^{۴۹}: مردان بر زنان، کارگزاران و سرپرستانند از آن روی که خدا برخی از ایشان - مردان - را بر برخی - زنان - فزونی و برتری داده و بدان سبب که از مال های خویش هزینه می کنند.))

در تفسیرالمیزان می خوانیم: مراد از جمله ((بما انفقوا)) مهریه ای است که مردان به زنان می دهند و نفقه ای است که همواره به آنان می پردازند^{۵۰}.

آیت الله مکارم در تبیین علت سرپرستی مردان می گوید: تعهد او (مرد) در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن

^{۴۶} همان

^{۴۷} بقره / ۲۳۳

^{۴۸} نساء / ۳۴

^{۴۹} طباطبائی، همان، جلد ۴، ص ۵۴۳

هزینه‌های زندگی و پرداخت مهر و تامین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد.^{۵۱}

حق مهریه

کلمه مهریه در قرآن نیامده و تعبیر قرآنی آن صداق است. در آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید: ((وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً: مهر آنان را به طیب خاطر به آن‌ها بدهید.))

علامه طباطبائی معتقد است: ((صدقه (به ضمه دال) و صدقه (به فتح دال) و صدق هر سه به معنای مهریه‌ای است که به زنان می‌دهند و کلمه نحل به معنای عطیه‌ای است مجانی که در مقابل ثمن قرار نگرفته باشد^{۵۲})).

تفسیر نمونه می‌نویسد: نحل در لغت به معنی بدهی و دین آمده، و به معنی بخشش و عطیه نیز هست، راغب در کتاب مفردات می‌گوید: به عقیده من این کلمه از ریشه نحل (به معنی زنبور عسل) آمده است زیرا بخشش و عطیه شباهتی به کار زنبوران عسل در دادن عسل دارد. صدقاتهن جمع صدق به معنی مهر است. آیه فوق به دنبال بحثی که در آیه گذشته درباره انتخاب همسر بود، اشاره به یکی از حقوق مسلم زنان میکند و تأکید می‌نماید که: ((مهر زنان را به‌طور کامل همانند یک بدهی بپردازید))؛ یعنی همان‌طور که در پرداخت سایر بدهی‌ها مراقب هستید که از آن چیزی کم نشود، در مورد پرداخت مهر نیز باید همان حال را داشته باشید (این در صورتی است که نحل را به معنی بدهی بگیریم) و اگر به معنی عطیه و بخشش باشد تفسیر آیه چنین خواهد شد: ((مهر را که یک عطیه الهی است و خدا به خاطر این که زن حقوق بیشتری در اجتماع داشته باشد و ضعف نسبی جسمی او از این راه جبران گردد، به‌طور کامل ادا کنید^{۵۳})).

در سوره نساء حق مهریه را برای زن ثابت دانسته، می‌فرماید: ((وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا^{۵۴}؛ و اگر خواستید به جای زنی، زنی دیگر بگیرید و به یکی از ایشان پوست گاوی پر از زر - یعنی مال بسیار - داده باشید چیزی از آن باز نستانید. آیا آن را با دروغ بستن و گناهی آشکار - یعنی تهمت بی‌عفتی زدن برای طلاق دادن و بازپس گرفتن مهر - باز می‌ستانید؟))

این آیه برای حمایت قسمت دیگری از حقوق زنان نازل گردیده و به عموم مسلمانان دستور می‌دهد که به هنگام تصمیم بر جدایی از همسر و انتخاب همسر جدید حق ندارند چیزی از مهر همسر اول خود را کم بگذارند و یا اگر پرداخته‌اند پس بگیرند، هر قدر هم مهر زیاد باشد^{۵۵}.

در اسلام مهریه بر چند پایه استوار است:

۱. مهر بر اساس شخصیت و استقلال زن است؛ نه جهت بهای زن و پرداخت به بستگانش.
۲. اساس مهریه عزت و احترام نسبت به زن است؛ زیرا معمولاً هدیه و پیش‌کش را به کسی می‌دهند که دل به او سپرده‌اند و برایش قدر و منزلتی قائل هستند.
۳. مهریه نشان آن است که زن را از نظر اقتصادی مستقل و لایق تصرف و تملک در اموال می‌دانند.
۴. از آن جا که محبت و عاطفه نقش مهمی در روابط زوجین بر عهده دارد، مرد با دادن مهریه به عنوان هدیه، این علاقه و محبت را بیشتر ابراز و بر آن تأکید می‌کند^{۵۶}.

حقوق زن در برابر رضاع و حضانت کودک

قرآن ضمن بیان احکام شیرخوارگی کودک، حقوق و اختیارات بسیاری برای زن تعیین کرده است. در سوره بقره آمده است: ((وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِمَّ الرِّضَاعَةُ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ

۵۰. مکارم شیرازی، همان، جلد ۳، ص ۳۶۹

۵۱. طباطبائی، همان، جلد ۴، ص ۲۶۹

۵۲. مکارم شیرازی، همان، جلد ۳، ص ۲۶۳

۵۳. نساء / ۲۰

۵۴. مکارم شیرازی، همان، جلد ۳، ص ۳۲۲

۵۵. پاک‌نژاد، سیدرضا، ازدواج مکتب انسان‌سازی، قم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۶، جلد ۱، ص ۱۹۴

رَزَقْنَهُنَّ وَكَسَوْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلُهُ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ: مادرانی که می‌خواهند شیر دادن را به فرزندان خود کامل سازند، دو سال تمام شیرشان بدهند. خوراک و لباس آنان، به وجهی نیکو، برعهده صاحب فرزند است و هیچ‌کس بیش از قدرتش مکلف نمی‌شود. نباید هیچ مادری به خاطر فرزندش زیانی ببیند و هیچ پدری به خاطر فرزندش و قِیم نیز چنین برعهده دارد. و اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشاورت یکدیگر فرزندشان را از شیر بازگیرند مرتکب گناهی نشده‌اند. و هرگاه بخواهید کسی دیگر را به شیر دادن فرزندتان برگمارید، اگر مزدی نیکو و درخورش بپردازید گناهی نیست. از خدا بترسید و بدانید که او به کاری که می‌کنید بصیر و بیناست.))

علامه طباطبائی معتقد است: ((جمله لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ، دلالت دارد بر اینکه: حضانت (کودکی را در دامن پروریدن) و شیر دادن، حق مادر اطلاق داده شده و موکول به اختیار او است. اگر خواست می‌تواند کودکش را شیر دهد و در دامن پرورد، و اگر نخواست می‌تواند از این کار امتناع بورزد. هم‌چنین رساندن مدت دو سال را به آخر، حق اوست، اگر خواست می‌تواند دو سال کامل شیر دهد، و اگر نخواست می‌تواند مقداری از دو سال را شیر داده، از تکمیل آن خودداری کند، و اما شوهر چنین اختیاری ندارد، البته در صورتی که همسرش موافق بود، می‌تواند یکی از دو طرف را اختیار کند، هم‌چنان که جمله فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا ... این معنا را می‌رساند. (۵۷))

ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی بر همین اساس تنظیم شده است. در این ماده آمده است: مادر مجبور نیست به طفل خود شیر دهد؛ مگر در شرایطی که تغذیه طفل جز با شیر مادر ممکن نباشد.

نتیجه گیری

قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی که با هدف هدایت و رشد و سعادت بشر نازل شده است، مبین مبانی حقوق زنان بوده و ضمن تبیین عمده ترین حقوق اساسی زنان، انسان ها را به شناخت و رعایت آن حقوق دستور می دهد. از آن جا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه مبانی و احکام اسلام بنا شده است، حقوق مربوط به زنان نیز مبتنی بر آن احکام و مبانی تعریف و تعیین می گردد.

براساس دیدگاه قرآن، جنسیت هیچ نقشی در اصل انسانیت ندارد؛ یعنی موجب نقص و کمال یا شدت و ضعف در انسان بودن نمی شود؛ با وجود این، جنسیت در حقوق و وضع قوانین تأثیرگذار است و موجب تفاوت حقوقی می گردد. تفاوت حقوقی بین زن و مرد بیانگر ستم و تبعیض جنسی بر زنان نیست؛ بلکه نادیده گرفتن تفاوت های طبیعی جنس زن و همانند ساختن آن با جنس مخالف، یک نوع ستم جنسی شمرده می شود.

قرآن ضمن ارائه چارچوب نظام مندی برای حقوق بشر، مبانی حقوق اساسی زنان را تبیین نموده است. اولین مبنا درباره حقوق زنان توجه به مهندسی نظام آفرینش مبتنی بر خلقت اشیاء به صورت زوج است؛ یعنی بدانیم آفرینش زن حکیمانه و براساس نظم طبیعت می باشد. قرآن مجید به طور کلی خلقت اشیاء را به صورت زوج معرفی نموده و آن را بخشی از نظم و ترتیب عالم دانسته است.

مبنای دیگر قرآنی درباره حقوق زنان، توجه دادن به کرامت انسان است. قرآن، انسان را موجودی دو بعدی معرفی نموده و قابلیت برتری بر ملائک و دناات از چارپایان را برای او متصور شده است. بشر از جنبه ی انسانیش خلیفه الله است و قرآن او را صاحب فضیلت و کرامت می داند. در آیات متعددی بر این اصل تأکید گردیده است. این مهم به عنوان یکی از پایه های نظام در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی معرفی شده است.

مبنای دیگر، مساوات براساس اصل عدالت است. نظام اجتماعی اسلام بر پایه مساوات و برابری استوار است. در دیدگاه اسلام برتری انسان ها نسبت به یکدیگر براساس تقوا و پرهیزکاری است. دین مرقی اسلام چهارده قرن پیش شعار آزادی، برادری و برابری را سر داده است. براساس اصل نوزدهم قانون اساسی، مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود.

زن به جهت ساختار وجودی مخصوص به خودش حقوق و وظایفی دارد و مرد هم به دلیل ویژگی های جسمی و روحی مردانه اش، حقوق و وظایف ویژه ای دارد؛ چرا که طبیعت و خلقت، آن ها را یکنواخت و مشابه نخواسته است. نظام حقوقی زن در اسلام پاسخی کامل برای نیازهای حقوقی زن امروز است و تقلید کورکورانه از غرب و تشابه حقوقی زن و مرد نه تنها مشکلات زنان جوامع مسلمان را حل نمی کند؛ بلکه بدبختی های نوع غربی را نیز به این مشکلات ما اضافه می کند.

با این همه تفاوتی که علم در سرشت زن و مرد به اثبات رسانده است، ادعای حامیان تشابه حقوق زن و مرد، بسیار تعجب برانگیز است. طراحان اختلاف زن و مرد با هدف تکامل و سعادت بشر، نشانه ای از نشانه های قدرت و حکمت پروردگار است و تغییر در این روند طبیعی، با شعار عوام فریبانه ی ((تساوی))، ظلمی است که روشنفکران غربی در حق زنان مرتکب شده اند و متأسفانه بعضی هم در کشورمان بدان دامن می زنند.

قرآن مجید با نگاهی دوراندیش و عاقبت گرا، امکان سعادت و نجات را برای زن و مرد به طور مساوی قائل است و آن را مشروط به کردار نیک دانسته است.

قرآن علاوه بر تبیین مبانی حقوق اساسی زنان، عمده ترین حقوق اساسی ایشان را بیان نموده است. برخی از این حقوق عام و برخی مختص زنان است. مراد از عام، شمول پذیری آن حقوق نسبت به مردان است؛ مانند حق آموزش، حق ارث، حق تملک، حق ازدواج، حق اشتغال و و منظور از حقوق اساسی خاص، حقوقی است که مختص زنان است. به این بیان که به دلیل تفاوت جسمانی که در آفرینش زنان وجود دارد و با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی آن ها، قانون گذار حقوق ویژه ای را برای زنان معین نموده است؛ مانند حق نفقه، حق مهریه، حق دریافت اجر جهت رضاع و

از جمله حقوق اساسی زنان که قرآن بدان پرداخته عبارت است از: حق مالکیت و استقلال مالی، حق اشتغال زنان، حق ارث، حق نفقه، حق مهریه، حقوق زن در برابر رضاع و حضانت کودک و حق آموزش.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، بيروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هجری
۳. پاک نژاد، سید رضا، **از دواج مکتب انسان سازی**، قم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۶
۴. جوادی آملی، **تسنیم**، قم، اسراء، ۱۳۷۵
۵. حسنی، سید معصومه، **پیکره فمینیسم ایرانی**، تهران، مدیریت مطالعات سیاسی معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، بی تا
۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، **تفسیر اثنا عشری**، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳
۷. دانش پژوه، مصطفی، خسرو شاهی، قدرت الله، **فلسفه حقوق**، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۱
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، **منطق تفسیر قرآن**، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷
۹. زاهد، سعید، خواجه نوری، بیژن، **جنبش زنان در ایران**، شیراز، ملک سلیمان، ۱۳۸۴
۱۰. زرکشی، محمد بن عبدالله، **البرهان**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸
۱۱. **سازمان ملل و حقوق زن**، ترجمه ی مهر انگیز منوچهریان، تهران، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۹۷۶ میلادی
۱۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم، **جریان شناسی دفاع از حقوق زنان**، قم، کتاب طه، چاپ سوم، ۱۳۸۶
۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴
۱۴. عمید زنجانی، عباس علی، **درآمدی بر فقه سیاسی**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳
۱۵. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱
۱۶. فلسفی، محمد تقی، **بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات**، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۲
۱۷. فهیمی، فاطمه، **حقوق مالی زن**، قم، دانشگاه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۱۸. قاضی، ابوالفضل، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران، نشر میزان، چاپ ۱۸، ۱۳۸۴
۱۹. **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، معاونت پژوهش تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ ششم، ویرایش دوم، ۱۳۸۶
۲۰. قنوتی، جلیل، **نظام حقوقی اسلام**، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷
۲۱. کاتوزیان، ناصر، **مقدمه علم حقوق**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۲۷، ۱۳۷۹
۲۲. لنگرودی، **مقدمه عمومی علم حقوق**، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۰
۲۳. ماشینی، فریده، **حقوق انسانی و جنسیت در قرآن**، بینات، بهار ۱۳۸۶، شماره ۵۳
۲۴. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، تهران، صدرا
۲۵. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱
۲۶. مقالات برگزیده دومین همایش جهانی زنان، معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۸۸ ش
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴
۲۸. مؤدب، سید رضا، **مبانی تفسیر قرآن**، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۶
۲۹. نجفی اسفاد، مرتضی، محسنی، فرید، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۹
۳۰. نصیری، علی، **بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس**، قیسات، بهار ۱۳۸۶، شماره ۴۳
۳۱. نصیریان، یدالله، **مقام و موقعیت زن و حقوق او در قرآن و سنت**، نامه الهیات، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱
۳۲. نکونام، محمدرضا، **زن مظلوم همیشه تاریخ**، قم، ظهور شفق، ۱۳۸۴
۳۳. وکیلی، الهه، **بررسی حقوق انسانی و اجتماعی زن در قرآن**، بینات، سال پانزدهم، پائیز ۱۳۸۷، شماره ۳

Abstract

One of the important issues that remains debated in the constitution is the rights of women. Since the position and rights of women in the law have been one of the most controversial topics and received many different interpretations, it is inevitable to research on the sources of constitution to achieve awareness from its systematic geometry on the basis of religious foundations and its revelatory genesis. The present article has explored the rights of women in the constitution of Islamic republic of Iran and deduced the foundations and most significant rights of women. The writer is of the view that these foundations and fundamental rights of women would contribute us to describe the framework of laws, base the rights of women on the last divinely-revealed book and finally offer an appropriate symbol of religious interaction with the important issue of rights of women.

Keywords

Foundations, Fundamental rights, Constitution, Women, Quran.